

دوفصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»
سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، پیاپی ۵
صص ۷۷-۹۲

رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربرد آن در قرآن کریم

فیروزه محمدی حسن آبادی*

چکیده

نشانه‌شناسی واژه‌های قرآن بدین سبب از اهمیت خاص برخوردار است که اولاً خداوند آن را معجزه پیامبرش قرار داده و مخاطبان خود را به مبارزه طلبیده تا اگر قدر و توان آوردن یک سوره در برابر قرآن دارند، آن را عرضه نمایند، ثانیاً متن قرآن به خودی خود، دارای واژگانی است که با فرض حذف واژه قرآنی و جانشین کردن واژه دیگر، همه معنای عباراتی که در آیه آمده دچار اختلال می‌شود. یکی از این صدها واژه کلید در قرآن کریم، واژه‌هایی هستند که به نحوی به رنگ دلالت دارند. این رنگ‌ها بعضی جزء رنگ‌های اصلی بوده که علم فیزیک آنها را شناسایی کرده و بعضی غیر اصلی می‌باشند که با طبیعت کاملاً هماهنگ و متناسبند.

غرض از روی آوردن به این مقوله، تحلیل نشانه‌شناختی و کشف معانی واژگان مربوط به رنگ است تا در این راستا توجه قرآن‌شناسان به این بخش جلب شده و زیبایی‌های معنایی را از این منظر به نظاره بنشینند. در این مطالعه، از رویکردهای نشانه‌شناختی، همچون "زبان مجاز"، "درون‌متنیت" و "تفاوت" (شامل روابط همنشینی و جانشینی) در تحلیل واژگان مرتبط با مفهوم رنگ استفاده شده تا معانی مستقیم (معنایی) و غیر مستقیم (کاربردی) که از واژگان رنگ بدست می‌آید، مورد بررسی قرار گرفته، غیر قابل جایگزین بودن بعضی از رنگ‌ها با رنگ‌های مشابه و استفاده عالمانه و خلاقانه از این واژگان مشخص گردد. نتایج این بررسی مورد استفاده مفسرین این کلام الهی خواهد بود تا با دید گسترده‌تری به مفاهیم قرآنی توجه نموده و به ایجاد تفاسیر علمی و نشانه‌شناختی اهتمام ورزند. همچنین این نتایج، پیامی برای مترجمان قرآن خواهد بود تا در این رهگذر، معادل‌های دقیق‌تری برگزینند.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، نشانه‌شناسی، رنگ، مفهوم معنایی، مفهوم کاربردی.

مقدمه

موجودات جهان هستی در بین مجموعه‌ای از عواملی قرار گرفته‌اند که خود از عوامل دیگر نشأت یافته‌اند. این عوامل طبیعی، و یا قراردادی و ساخته فکر و فرهنگ بشرند. ابرهای سیاه نشانگر بارانی شدید، و بلند کردن دست به معنی ابراز سلام و ادب. هر کدام از عوامل باران و ابراز سلام، خود، از عوامل ابر و بلند کردن دست، چه طبیعی^۱ و چه قراردادی^۲ بوجود آمده‌اند. مجموع این عوامل را "نشانه"^۳ و علمی که به آنها می‌پردازد را "نشانه‌شناسی"^۴ می‌خوانند.

سوسور (۱۹۵۹) از پیشگامان این علم، معتقد است که "تمامی شیوه‌های بیانی که در جامعه‌ای پذیرفته شده‌اند، در بیان خود بر پایه رسم‌های اجتماعی بنا شده‌اند، یا بر پایه قرارداد که همان معنا را می‌دهد" (احمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۳).

نشانه چیزی است که به جای چیز دیگری نشسته و به علمی که به مطالعه سیستم نشانه‌ها و سازمان درونی آنها می‌پردازد، نشانه‌شناسی اطلاق می‌شود (مارتین و رینگهام، ۲۰۰۶، ص ۵۴).

در تبیین این علم از دو واژه (semiology) و (semiotics) استفاده می‌شود که هر دو به "نشانه‌شناسی" تعبیر می‌شوند. دو پیشگام متفکر در این علم «سوسور» و «پیرس» هستند که اولی واژه مقدم و دومی واژه مؤخر را پایه نهادند و به اعتقاد مارتین و رینگهام تفاوت فاحشی نیز بین آن دو واژه وجود ندارد.

اگرچه نشانه‌ها محدود به زبان نمی‌شود، بر نشانه‌های زبانی تاکید ویژه‌ای وجود دارد (سوسور، ۱۹۵۹، ص ۴۳). نشانه برای سوسور دارای دو مفهوم به هم وابسته دلالت و ارزش^۵ است. او دلالت را رابطه‌ای می‌داند بین دال^۶ که تصویری صوتی^۷ است و مدلول که تصور مفهومی^۸ است و این دلالت را ایجابی می‌شمرد.

ارزش برای سوسور رابطه بین یک نشانه و نشانه‌های دیگر است و در نتیجه، ارزش یک رابطه سلبی^۹ است. نتیجتاً در آیین سوسور، نشانه‌ها در کنار هم و در مقایسه تمایزاتشان بررسی می‌شوند (سجودی، ۱۳۸۸، ص ۵۱).

در حقیقت، نشانه‌شناسی به بررسی روشهای تحلیل دلالت پرداخته و متن را یک نظام معنایی می‌داند (قائمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲).

زبان، بارزترین شکل از نشانه‌های قراردادی است، که بین افراد یک جامعه خاص مورد توافق و استفاده است. گاه بسته به کیستی گوینده، استفاده از زبان شکل خاص و پیچیده‌ای به خود می‌گیرد که متون الهی از آن جمله‌اند.

در متون الهی، گاه کلمات، عبارات و جملاتی یافت می‌شوند که، به سرعت، حتی برای متکلمان آن زبان هم قابل درک نمی‌باشند و به کندوکاو دقیق علمی نیاز دارند. قرآن در شریعت اسلام کتابی است که می‌باید در کنار یک رمز گشای عالم به رمزهای آن مطالعه شود.

5. Value
6. Signifier: langue
7. Signified: parole
8. Difference

1. Unconventional
2. Conventional
3. Sign
4. Semiotics

سیستم حفظ فرهنگ یا زیر-فرهنگ است و این زبان رمزی است که با "چگونگی" نمایش اشیاء و نه با "چیستی" آنها مرتبط است.

از آنجایی که نشانه‌شناسی امکان ارائه "مستقیم" همه چیز را رد می‌کند، زبان مستقیم در آن به چالش کشیده می‌شود. زبان یک ابزار خنثی نیست و انتخاب کلمات قابل بحث و بررسی است. استعاره دربرگیرنده یک مدلولی باشد که در جایگاه یک دال عمل می‌کند و به یک مدلول دیگر اشاره دارد (چندلر، ۲۰۰۷، ص ۱۲۴).

رسم مجاز این است که چیزی که شیء هست را با بیان آنکه چه چیزی نیست نشان دهد (مرل، ۲۰۰۱، ص ۲۸-۳۹)

۱-۲. زبان مجاز در قرآن کریم

بلاغت، "رساندن معنا در نیکوترین لفظ به قلب شنونده" است که عالی‌ترین نمود آن در قرآن است. بیان مجازی از جمله صور رساندن معنا در نیکوترین لفظ است (الرمانی در علوی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۶۹). همچنین، استفاده از تشبیه و تمثیل را از فصاحت و بلاغت و توانایی گوینده می‌داند (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۴).

۱-۳. تبیین مفهوم «درون متنیت»

متون از یکدیگر مستقل نبوده در این راستا می‌توان به تئوری "بینامتنیت"^۸ کریستوا (۱۹۵۹) اشاره نمود. بر اساس این تئوری، هر متن به طور افقی^۹ مؤلف و خواننده را به یکدیگر، و به طور

معنا در این کتاب، سطوحی دارد و هر سطح رموزی.^۱ از جمله رموز این کتاب رمزگان "رنگ" است که بسته به نوع کارکردهای مختلف آن در بافتی خاص، دلالت‌های^۲ متفاوتی را آشکار می‌سازد. در حقیقت، مفهوم کلمات در قرآن، در سطوح معنایی^۳، بدون در نظر گرفتن بافت، و همچنین کاربردی^۴، با در نظر گرفتن بافت و منظور گوینده، بررسی می‌شوند.

از این روست که روش‌های نشانه‌شناختی کمک شایانی به رمزگشایی رمزگان قرآن کریم است.

در این تحقیق، از رویکرد نشانه‌شناختی سوسور جهت رمزگشایی از واژگان مربوط به رنگ بهره گرفته می‌شود که اهم نظریات او در زیر تشریح می‌شود:

- بررسی نشانه‌شناختی زبان مجاز؛

- درون متنیت^۵

- روابط همنشینی^۶ و جانیشینی^۷ پرداخته سوسور

(۱۹۵۹)

۱. آراء نشانه‌شناختی سوسور و کاربرد آن در قرآن کریم

۱-۱. تبیین مفهوم «زبان مجاز»

زبان مجاز، از جمله ابزار بیانی است که در علم نشانه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نمونه‌های عالی آن در قرآن مشهود است. زبان مجاز بخشی از

1. Codes
2. Signification
3. Semantics
4. Pragmatics
5. Intratextuality
6. Syntagmatic Relations
7. Paradigmatic Relations

8. Intertextuality
9. Horizontal axis

عمودی^۱ آن متن را به متون دیگر مرتبط می‌داند. مفهوم دیگری با عنوان درون‌متنیت قابل توجه است که در آن یک جزء از متن به جزء دیگری از همان متن اشاره می‌کند و برای دریافت معنی یک قسمت به قسمت دیگر نیاز است (چندلر، ۲۰۰۷، ص ۱۹۷).

۴-۱. درون‌متنیت در قرآن کریم

باید از خود قرآن کریم در تفسیر این متن الهی استفاده شود. بر اساس عرف عقلا از جمله راه‌هایی که در روایات تفسیری اهل بیت (ع) برای فهم کلام استفاده می‌شود، توجه به "قراین کلام" است: سخنانی که گوینده در جای دیگری گفته و توجه به آن در فهم بخش‌های دیگری از سخن وی تأثیر دارد. به دلیل آنکه بیان قرآن بر حسب اصول محاوره عقلا است در آن از قرآن، که آیه‌های آن هستند، در فهم بعضی آیات دیگر استفاده می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

۵-۱. تبیین تفاوت همنشینی و جانشینی

در نظر سوسور، تفاوت بین دال‌ها است که معنا ایجاد می‌کند و این تفاوت‌ها یا همنشینی‌اند و یا جانشینی (چندلر، ۲۰۰۷، ص ۸۳). سوسور هر کدام از آنها را این‌گونه تعریف می‌کند:

- روابط همنشینی امکان ترکیب نشانه‌ها، و مربوط به دال‌های درون‌متنی است که در درون همان متن موجود است، مانند معنا دار کنار هم قرار گرفتن کلمات در یک جمله معنا دار.

- روابط جانشینی تفاوت‌های کاربردی نشانه‌ها، و مربوط به دال‌های بین‌متنی است که در آن متن مورد

نظر، وجود ندارد. نشانه‌های جانشینی، در یک گروه تعریف شده (مثلاً صفاتی که می‌توانند جایگزین یک صفت در جمله شوند) قرار می‌گیرند و هر انتخاب از این گروه، معنای متفاوتی را شکل می‌دهد. تحلیل رابطه جانشینی بدین صورت است که هر نشانه موجود در متن با آن نشانه‌های غایب در متن مقایسه می‌شود که در شرایط برابر می‌توانستند بجای نشانه موجود انتخاب شوند و سپس به بررسی ارزش‌گزینۀ منتخب می‌پردازد.

هر دوی این روابط، ارزش یک نشانه را تعیین می‌کنند و آنها هستند که با ایجاد بافت متنی برای نشانه‌ها، به آنها معنا می‌دهند (چندلر، ۲۰۰۷، ص ۸۴). برای واضح‌تر شدن مطلب، مثال زیر قابل تأمل است: "خانواده علی هر روز برای ناهار برنج و کباب بوقلمون می‌خورند".

همنشین شدن دو اسم از اسامی غذاها، "برنج" و "کباب بوقلمون"، این معنی ضمنی را به ذهن می‌رساند که خانواده علی متمول هستند. حال اگر "عدس" را جانشین "کباب بوقلمون" کنیم، معنی ضمنی جمله متحول می‌شود و خانواده علی دیگر متمول نیستند. تفاوت ارزش مادی غذاها در معنای جمله "تفاوت" فاحشی ایجاد نمود و این ارزش کلمات، به مثابه نشانه‌ها، را می‌رساند.

۲. نشانه، نشانه‌شناسی و ارتباط آن با رمزگشایی

قرآن کریم

ایزوتسو (۱۹۱۴) با استفاده از دیدگاه سوسور نتایجی در تفسیر قرآن بدست آورده است. علم نشانه‌شناسی، که به بررسی روشهای تحلیل دلالت پرداخته و متن را یک نظام معنایی می‌داند، در علوم مختلف از

در همین راستا، در مطالعه حاضر، نظریه‌های نشانه‌شناختی مذکور، جهت فهم بهتر واژگان رنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا معنای کاربردی آنها، که بعضاً در تفاسیر و تحقیق‌های علمی فعلی هم به آنها اشاره شده، مکشوف گردد.

قابل ذکر است که با وجود اینکه هم اکنون روشهای تفسیری متعددی وجود دارد که به صورت ضمنی از فرآیندهای صحیح و جامع نشانه‌شناسی بهره می‌برند، هنوز صورت علمی و نظام مند پیدا نکرده‌اند و جزئیات نشانه‌شناسی را دقیقاً روشن ننموده‌اند. (قائمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۷). این مطلب، ضرورت روی آوری به تفاسیر نشانه‌شناختی را روشن می‌کند.

در این تحقیق، با جمع آوری مطالب هم راستا با نشانه‌شناسی، چه از تفاسیر و چه از منابع تحقیقی دیگر، به کاربرد و تاکید بر کاربرد نشانه‌شناسی در تفسیر و ترجمه قرآن پرداخته می‌شود.

محققان متعددی (اصغری، ۱۳۷۹؛ بلوردی، ۱۳۸۷؛ الف و ب؛ حنفی، ۱۳۸۴؛ رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹؛ شریفی و جوکار، ۱۳۸۹؛ صداقت، ۱۳۸۵؛ محمودی، ۱۳۸۷) در زمینه چگونگی کاربرد رنگ و معانی بارز^۱ و ضمنی^۲ آن در قرآن بررسی‌های جامع و دقیقی انجام داده‌اند؛ با این وجود، رنگ را نشانه‌پنداشته‌اند و به تحلیل نشانه‌شناختی آن نپرداخته‌اند.

۳. رنگ به مثابه نشانه

محدثی (۱۳۷۶) نور را مهمترین عامل در تشخیص رنگ می‌داند و اذعان می‌دارد که بازتاب تشعشعات نور از اشیاء رنگ آنها را شکل می‌دهد. او

جمله مطالعات دینی و تفسیر آن متون، تحولات اساسی بوجود آورده و در مطالعات آنها اجتناب ناپذیر است. کاربرد نشانه‌شناسی در تفسیر قرآن به سه دسته تقسیم می‌شود:

(۱) روش شناسی برای فهم متون: این دانش از روش تحلیل ارتباط و روش دستیابی به اطلاعات و معنا بحث می‌کند و از این رو در ذیل روش شناسی می‌گنجد؛

(۲) نگاه نظام دار به معنا: نشانه‌شناسی نظام و دستگاه معنا در ارتباط را بررسی می‌کند؛

(۳) روش سازی و کار تکثیر معنا در یک نظام نشانه‌ای (قائمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

نظام و دستگاه معنا در قرآن به "استخوان بندی معنایی" متن تعبیر می‌شود که به وسیله آن، ارتباط پیچیده معنایی میان آیات و واژه‌ها را قابل کشف خواهد بود (قائمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۴).

این پیچیدگی معنایی در قرآن ناشی از "مکانیسم اظهار و اخفا" در نصوص دینی است که جهانی بی پایان را برای مفسر فراهم می‌کند. در تعریف این مکانیسم می‌توان گفت که "هیچ متنی از لحاظ نشانه‌شناختی نمی‌تواند تمام استعدادهایش را یکجا مکشوف سازد.

متن ویژگی‌های دوگانه ای دارد؛ از سویی، بخشی از استعدادهایش را بالفعل در معرض دید خواننده قرار می‌دهد و از سوی دیگر، بخشی دیگر از آنها را پنهان کرده است". برای آشکار ساختن این سطح ناپیدا، خواننده محتاج عالم متن است و از قسمت‌های مختلف متن برای فهم آن بهره می‌برد (قائمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

1. Denotative
2. Connotative

ایجاد و استفاده از نشانه‌ها، نتیجه توانایی انسان در دریافت رنگ است. رنگ‌ها نشانه‌های "کیفی"^۲ هستند و این نشانه‌ها توجه فرد را به بعضی از جنبه‌های مصداق^۳ خود معطوف می‌دارد (دنسی، ۲۰۰۴، ص ۹).

همچنین، با استفاده از مثلث فرگ^۴ (ریاضی دان آلمانی، قرن ۲۰)، می‌توان در رمز‌گشایی^۵ پیام تبلیغات، رنگ را از دیدگاه نشانه‌شناختی بررسی نمود. مثلث فرگ یک طرح انتزاعی از هر نشانه است که در هر یک از اضلاع خود "دارای شیء در دنیای واقع"، "کلمه در سطح زبان طبیعی" و "مفهومی از شیء واقعی و با خیالی" است.

می‌توان از دو جنبه رنگ را نشانه پنداشت: زمانی که رنگ دیده می‌شود (شکل غیر کلامی آن) و زمانی که رنگ با استفاده از واژه‌ها بیان می‌شوند. دال، رنگ غیر کلامی، طول موج‌های نور و رنگ کلامی، واژه‌های رنگ، و مدلول هر دو، معنی غیر رنگ^۶ است (المالک، ۲۰۰۸، ص ۱).

بعلاوه، تحلیل همزمان رنگ و نشانه‌شناسی می‌تواند استفاده دو جانبه داشته باشد: "از تئوری رنگ به نشانه‌شناسی دیداری و از نشانه‌شناسی همگانی به مطالعه رنگ" می‌توان رسید (کیوانو، ۱۹۹۸، ص ۴۰۰). این تحقیق، از این رهگذر، بر آن است تا رنگ را در قرآن کریم از دیدگاه نشانه‌شناختی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

ادامه می‌دهد که اشعه خورشید که منشأ رنگ‌هاست، دارای طول موج‌های مختلف است که هفت رنگ اصلی و فرعی دارد (بلوردی، ۱۳۸۷، ص ۹۲).

نور انرژی‌ای است که در خلأ حرکت می‌کند و آن را "اثر"^۱ می‌نامند. رنگین کمان، اشعه‌های پراکنده خورشید است که به طول موج‌های مختلف (یا رنگ‌های بنفش، آبی، سبز، زرد، نارنجی و قرمز) شکسته می‌شود (لوکیش، ۱۹۱۵، ص ۶۵).

تجمع تمام امواج نوری، نور سفید را تشکیل می‌دهند و در شکسته شدنش به وسیله یک منشور، کوتاه‌ترین موج آن رنگ بنفش و بلندترین آن قرمز است و طول موج‌های مابین آنها آبی، سبز و زردند (نرمال، ۱۳۶۳ در رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲).

داستان رنگ تقریباً داستان تمدن است و قدمت علاقه بشر به آن به قدمت وجود او در زمین تخمین زده می‌شود (بیرن، ۱۹۶۳، ص ۸۴). رنگ کاربردهای متعددی در زندگی بشر دارد که چند نمونه از آنها به صورت زیر است: اثر رنگ بر بیماریها، اثرات روانی رنگ در کودکان و سالمندان، اثر روانی رنگ در تزئینات داخلی، رابطه رنگ با آراستگی و غیره (فرزان، ۱۳۷۵، تمام اثر).

ائمه اطهار(ع) بر کاربرد و تأثیر هر رنگ بر روان انسان توجه ویژه‌ای داشته‌اند. نمی‌توان یک تئوری واحد در مورد تأثیر روانی رنگ‌ها بر افراد ارائه نمود، مگر اینکه مفاهیمی از کلام وحی بر انبیاء وارد شده باشد (آیت الهی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶).

تئوری پردازانی رنگ را از نشانه‌های فرهنگی و یا جهان شمول انسان دانسته و تئوری‌هایی در این ارتباط ارائه داده‌اند. بسیاری از فعالیت‌های دنیوی در

2. Qualisign
3. Referent
4. Freg
5. Decoding
6. Non-color meaning

1. Ether

۳-۱. رنگ به مثابه نشانه در قرآن

آیات اشاره کننده به رنگ در قرآن کریم به دو دسته تقسیم بندی می شوند:

۱. آیاتی که از واژه "لون" یا "الوان" یا "صبغه" استفاده کرده اند.

۲. آیاتی که از رنگ های مختلف استفاده کرده اند (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵).

محققین حاضر، در روند این مطالعه، با دسته ای دیگر از واژگان روبرو شد که بطور غیر مستقیم به مفهوم رنگ اشاره دارد. لذا آیات مربوط به رنگ و مورد بحث در این تحقیق شامل چهار مورد زیر است:

۱. آیه دربر گیرنده کلمه "الوان"

۲. آیه دربر گیرنده کلمه "صبغه"

۳. آیات حاوی رنگ های مختلف

۴. آیاتی که بطور غیر مستقیم به مفهوم رنگ اشاره دارند.

۳-۱-۱. آیات حاوی واژه «لون» یا «الوان»

دو کلمه "لون" یا "الوان" چندین بار در قرآن کریم تکرار شده اند:

«قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْثُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره: ۶۹)؛

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتَلَفَ أَلْوَانَهُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم: ۲۲)

«وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّعَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ» (نحل: ۱۳)

«ثُمَّ كَلَّمِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْأَلِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ» (نحل: ۶۹)

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر: ۲۷)

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُمْ يَهيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا» (زمر: ۲۱).

در مورد معانی و مضامین و گوناگونی کاربرد کلمه "لون" در قرآن باید گفت که این واژه، نه بار در قرآن کریم آمده که شش بار به مفهوم عام و سه بار در مفهوم خاص به کار رفته است.

دلالت رنگ در مفهوم عام آن، گستره ای بس فراختر از دلالت آن در مفهوم خاص دارد؛ چرا که رنگ در مفهوم کلی بر تنوع (چند گونگی)، تعدد، تباین و تفاوت دلالت می کند و به همین دلیل، این واژه هفت بار به صورت جمع و تنها دوبار به صورت مفرد در قرآن کریم آمده است.

شاید بتوان گفت علت این که این مفهوم بیشتر با صیغه جمع آمده آن باشد که لفظ جمع برای بیان گونه گونی و تنوع، دلالت بیشتری از لفظ مفرد دارد و به هیچ وجه امکان ندارد زندگی بشر، یکرنگ، یک شکل و یک رای و نظر داشته باشد (حنفی، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

این تعداد از اعجاز عددی رنگ ها در قرآن است و احتمال دارد که هفت بار تکرار واژه "لون" اشاره به "طیفهای هفت گانه نور سفید" و "هفت رنگ درک پذیر" داشته باشد (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶).

در مورد آیه ۲۷ سوره فاطر، اشاره به همنشینی واژه های "جدد" و "الوان" دارند. "جدد" جمع کلمه "جده" است و جاده یا راه معنی می دهد. در تفسیر

رنگ نمی‌دهند، ولی سنگهایی که از جنس کربونات کلسیم (سفید) هستند بر اثر حرارت اکسید شده رنگ آنها به قرمز تغییر پیدا می‌کند. در نتیجه، قرمز در ترکیب اصلی همه رنگ‌ها وجود دارد (فتحی در رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲-۱۴۳).

در این تفسیر، از «دو اصل همنشینی و جانشینی»، به ترتیب، به صورت زیر استفاده شده است: همنشینی کلمات "حمر" و "مختلف الوانها" مفسر را به نتیجه ای که در پاراگراف بالا ذکر شد هدایت می‌کند. هر کدام از رنگ‌های دیگر موجود در کوهها، می‌توانست جایگزین کلمه "حمر" شوند و معنای بدست آمده ی بالا را تغییر دهد. ولی، خداوند با علم لایتناهی خود عالمانه از میان چندین گزینه ممکن رنگ قرمز را انتخاب کرده است.

۳-۱-۲. بررسی کلمه «صبغه» در قرآن

کلمه "صبغه" دو بار در قرآن کریم استفاده شده است: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَتَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸).

این کلمه را در فارسی می‌توان به "رنگ" ترجمه نمود؛ با این وجود، از آنجایی که این کلمه با کلمه "الله" همراه شده، و از آن رو که نمی‌توان برای خداوند رنگ مادی تصور کرد، معنای ظاهری که از کلمه رنگ در زبان فارسی برداشت می‌شود را نمی‌توان برای کلمه "صبغه" در نظر گرفت.

این کلمه به فطرت الهی و عامل جدایی انسان از حیوان تعبیر می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۴۱۲ق، در رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵). این رنگ را رنگ بی رنگی و حذف همه رنگ‌های نژادی و قبیلگی نیز هست و از این رنگ به رنگ ایمان و توحید خالص،

این قسمت از آیه که سخن از کوه و رنگ به میان آمده با ارجاع به تفسیر آلوسی دو پیشنهاد وجود دارد: "مراد از این راهها یا راههایی است که در کوهها قرار دارد و رنگارنگ است یا مراد خود کوههاست که به صورت خطوطی کشیده شده روی کره زمین قرار دارد، بعضی از این سلسله جبال به رنگ سفید، بعضی سیاه و بعضی رنگینند" (روح المعانی، ۱۴۰۵، ج ۲۲، ص ۱۸۹).

همچنین چیزی که در طبیعت مشاهده می‌شود و به صورت سنگهای تزئینی و به رنگ‌های مختلف در ساختمان سازی استفاده می‌شود، رگه‌های رنگی از جنس خود کوههاست و در نتیجه کلمه جدد نمی‌تواند تنها به معنی راه یا رشته کوه باشد؛ بلکه به معنی "رگه‌های رنگی کوهها" هم هست. برای اثبات این مدعا می‌توان از ارجاع "درون متنیت" استفاده کرد و خواننده را به آیه ای دیگر ارجاع داد که می‌فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (قاعه: ۵)؛ و کوه‌ها کاملاً خرد مانند پشم رنگین حلاجی شده می‌شوند.

این‌گونه برداشت می‌شود که رنگ در پشم کوهها به علت رگه‌های رنگین در آنهاست (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲).

کوه‌ها، رنگ‌های مختلفی می‌توانند داشته باشند؛ با این وجود، در این آیه فقط به رنگ‌های سفید، قرمز و سیاه اشاره و سایر رنگ‌ها در قالب "مختلف الوانها" و بعد از کلمه "حمر" آورده شده تا به این مطلب اشاره کند که رنگ کوهها درجاتی از رنگ قرمزند. رنگ سفید در کوهها، بر اثر عامل اکسید شدن، منشأ سایر رنگ‌ها در آنهاست. سنگ گرانیت (قرمز) و بازالت (سیاه) تحت هیچ شرایطی تغییر

«فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّتَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (ملک: ۲۷): زشتی و سیاهی روی کافران

۲- رنگ سفید: ۱۲ بار و در سوره‌های:

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (بقره: ۱۸۷): اوقات روزه
«وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (آل عمران: ۱۰۶): سفیدرویی مومنان (کاربرد مجازی)

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ» (اعراف: ۱۰۸): معجزه موسی

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ» (شعراء: ۳۳): معجزه موسی

«وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (طه: ۲۲): معجزه موسی

«وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (نمل: ۱۲): معجزه موسی

«اسْأَلْكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (قصص: ۳۲): معجزه موسی

«وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَاسُوفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ» (یوسف: ۸۴): دیده یعقوب

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر: ۲۷): رنگ سیاه

در کنار رنگهایی چون سرخ و سفید نشانگر زیبایی آفرینش کوهها

«وَيَبْيُضَاءُ لَذَّةً لِلشَّارِبِينَ» (صافات: ۴۶): شراب طهور

۳- رنگ سبز: ۸ بار و در سوره‌های:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا» (انعام: ۹۹): سبزی طبیعت و آفرینش

عدالت و مساوات و برادری و برابری تعبیر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۸۳). به این ترتیب می‌بایست دید کنایی به این کلمه داشت و معنای تحت الفظی آن را در حاشیه قرار داد.

۳-۱-۳. بررسی آیات حاوی رنگ‌های مختلف

تعداد دفعات و مفاهیم بکار گرفته شده رنگ‌ها در قرآن به شرح زیر است:

۱- رنگ سیاه: هفت بار و در سوره‌های

مختلف:

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (بقره: ۱۸۷): زمان فرا رسیدن طلوع فجر و صبح صادق

«يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (آل عمران: ۱۰۶): سیاه رویی کافران در قیامت (رنگ مجازی)

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (النحل: ۵۸): اندوه بر اثر فرزند دختر

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر: ۲۷): رنگ سیاه در کنار رنگهایی چون سرخ و سفید نشانگر زیبایی

آفرینش کوهها

«وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ» (الزمر، ۶۰): رسوایی کافران

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (الزخرف: ۱۷): سیاهی روی مشرکان

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر: ۲۷): آفرینش و

رنگ‌های طبیعی (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۵، تمام اثر)

از تعداد دفعات کاربرد رنگ‌ها و کلمات مرتبط با آنها در قرآن کریم می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اسلام به تنوع و استفاده روانشناختی رنگ‌ها تاکید دارد. از حیث وقوع رنگ‌ها در قرآن، همانطور که در دسته بندی بالا مشاهده می‌شود، هر رنگ دامنه ای از معانی را دربر می‌گیرد که با توجه به کلمات همجوار و بافت پیرامونی، معنی و تفسیر می‌شوند. شرح بیشتر این مسئله با تفصیل بیشتری در بعضی از آیات مذکور خواهد آمد.

۲-۳. بررسی رنگ «سفید» و «سیاه»

۲-۳-۱. سفید؛ نماد ایمان و سعادت - سیاه؛

نماد جهل و شقاوت

با توجه به آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره آل عمران، سفید در این آیات تمثیلی از خشنودی اهل ایمان و سیاه، خست و فرومایگی و انفعال و شرمندگی کافران است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۸۱).

این "معنای مجازی" از کتلاست دو رنگ سیاه و سفید و "کلمات پیرامونی" این دو رنگ، شامل "ایمان"، "عذاب" و "رحمت"، نیز برداشت می‌شود (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۶۸).

همچنین، در این ارتباط آمده است: "به دنبال هشداری که در آیات سابق درباره تفرقه و نفاق و بازگشت به آثار دوران کفر و جاهلیت داده شده، در این آیه به نتایج آنها اشاره می‌شود که چگونه کفر و تفرقه و بازگشت به جاهلیت، موجب روسیاهی است

«وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ» (یوسف: ۴۳):
خواب شاه

«يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ» (یوسف ۴۶): خواب شاه

«أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ» (کهف: ۳۱): نعمتها و جامه‌های بهشتی
«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً» (حج: ۶۳): سبزی طبیعت

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا» (یس: ۸۰): آفرینش و قرار دادن آتش در دل طبیعت
«مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ» (الرحمن: ۷۶): نعمتهای بهشتی

«عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ» (الانسان: ۲۱): نعمتهای بهشتی

۴- رنگ زرد: پنج بار و در سوره‌های:

«قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ: (بقره: ۶۹): گاو بنی اسرائیل
«وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ» (روم: ۵۱): کشت و زرد و کفران نعمت
«ثُمَّ يَهِيحُ فِتْرَتُهُ مُصْفَرًّا» (الزمر: ۲۱): زرد شدن کشتهای و خشکی

«كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا» (حدید: ۲۰): زردی کشت مثال دنیا

«كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ» (مرسلات: ۳۳): پاره‌های آتش دوزخ مانند شتران زرد موی

۵- سرخ: یک بار و در سوره‌های:

جهالت و گمراهی است (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱).

پس، زبان مجاز در رساندن این مقصود وسیله بوده است. هیچ رنگی بجز سیاه نمی‌توانست بیانگر این مفهوم باشد و "جانشین" شدن آنها بجای سیاه مفهوم مورد نظر را مختل می‌نمود (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۵۸). در روانشناسی رنگ‌ها نیز سیاه به عنوان نفی هر گونه رنگ تلقی می‌شود که نشان دهنده مرزهای مطلق است که در پشت آنها زندگی متوقف می‌شود و در معنای "نه" در مقابل "آری" سفید است (لوشر، ۱۳۷۶، ص ۹۷).

۲-۲-۳. سفید؛ نماد نور و پاکی - سیاه؛ نماد تاریکی و کثیفی

در نشانی‌های قرآنی زیر، قرآن کریم به آن قسمت از داستان حضرت موسی (ع) اشاره می‌کند که دست ایشان به اذن الهی سفید و درخشان می‌شود: اعراف ۱۰۸- شعراء ۳۳- نمل ۱۲- قصص ۳۲- طه ۲۲. در این آیات این معجزه را با رنگ سفید بازگو می‌کند. از این رنگ تعبیر به "نور سفید" می‌شود (بلوردی، ۱۳۸۷، ص ۷۵).

بعلاوه، از این دست نورانی در معنای واقعی آن تعبیر به دست پاک و پاکیزه و در معنای مجازی آن تعبیر به دست عقیف و شریف می‌شود (حنفی، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

در سه مورد از این آیات عبارت "غیر سوء"، همنشین رنگ سفید شده که نشانگر آن است که تمام رنگ‌های سفید، به دلیل ترکیبات و ناخالصی‌ها، زیبا نیستند (اصغری نژاد، ۱۳۷۹، ص ۹۶).

و چگونه اسلام و ایمان و اتحاد و صمیمیت موجب روسفیدی است و آنکه "در قیامت، روسفیدی و روسیاهی دنیا که شکلی مجازی دارد، به صورت حقیقی ظاهر می‌شود" (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۶۱-۵۹).

به مبارک بودن سفید و شوم بودن سیاه در آیات دیگر نیز اشاره شده است و با این گونه "ارجاعات درون متنی" می‌توان به درستی مطلب مذکور پی برد. اثبات برداشت فوق، با ارجاع بینامتنی به آیه ۴۶ سوره صافات ممکن می‌شود که در آن نوشیدنی اهل بهشت سفید توصیف می‌شود (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۶۸).

در این راستا، رنگ‌های طبیعت به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از "رنگ‌های حزن آور" که رنگ‌های تیره اند و رنگ‌های "شادی آفرین" که رنگ‌های روشن هستند. خداوند رنگ‌های سبز و سفید که از جمله رنگ‌های شادند را در بهشت که محل شادی است، مقرر نموده است (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).

چهره سیاه جهنمیان باز هم در سور زمر آیه ۶۰ و ملک آیه ۲۷ نمایش داده شده است. در ارتباط با آیه ۶۰ سوره زمر، قیامت عرصه آشکار شدن درون بوده و احوال افراد سیاه قلب که اعمال و افکاری تاریک دارند، در قیامت به بیرون و به چهره‌هایشان منتقل می‌شود. این بدین معنی است که در آخرت مجازها به حقیقت می‌گرایند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۹، ص ۵۱۶).

بر همین اساس، سوره نحل آیه ۵۸، صورت غضبناک عرب جاهل بر اثر تولد دختر را با رنگ سیاه نمایش می‌دهد. سیاه شدن روی، کنایه‌ای از خشمگین شدن (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۴۰۰) و نیز نماد

روانشناسی و اثر آن روشنائی، خوش رویی و شادمانی است (لوشر، ۱۳۷۶).

۳-۲-۲. زرد؛ نماد غم و اندوه

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا در حالی که در آیه ۶۹ سوره بقره رنگ زرد مسرت بخش معرفی شده، در آیه ۲۱ سوره زمر از رنگ زرد برای بیان پژمردگی و مرگ استفاده شده است. پاسخ این سوال به این شرح است که رنگ زرد مراتبی و هر درجه از آن "ارزش" خاص خود را دارد و بیانگر مفهوم خاصی است. بنابراین زردی که در این آیه معرفی شده، متفاوت از زردی است که در آیه ۶۹ سوره بقره است (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸).

زرد در قرآن گاهی شادی آفرین و گاهی غم انگیز است و علت آن در تفاوت تأثیر مراتب مختلف رنگ‌ها می‌باشد: زرد پررنگ و طلایی، زرد کم رنگ، زرد مالی به قهوه ای، و غیره. هر کدام تأثیر متفاوت از دیگری دارد. هنگامی که زرد به قهوه ای می‌گراید، مانند برگهای پاییزی، حالت مسرت بخشی خود را از دست می‌دهد (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷). همچنین، کنتراست و "همنشینی رنگ زرد و سبز" در اینجا حائز اهمیت است. در قرآن، حرکت از زندگی و برکت و طراوت به سمت افول و زوال به ترتیب با رنگ‌های سبز (سبزی زمین در سوره حج، آیه ۶۳ - برکت در سوره یوسف آیات ۴۳ و ۴۶ - طراوت در عبارت مُدْهَامَّتَانِ در سوره الرحمن آیه ۶۴) و زرد نشان داده می‌شوند (محمودی، ۱۳۸۷، صص ۷۴-۷۶).

از روابط جانشینی هم در اینجا استفاده می‌شود و انتخاب عالمانه رنگ سفید بجای رنگ سیاه از جانب خداوند، ستودنی است (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۶۹).

۳-۲-۳. چشم سفید؛ نماد نابینایی

مراد از سفیدی چشم در آیه ۸۴ سوره یوسف، نابینایی کامل و نه نسبی (از سفیدی چشم، هر دو معنی برداشت می‌شود) بیان شده و برای اثبات این ادعا، با ارجاع به دو آیه بعد استفاده می‌شود که حضرت یوسف از برادرانش می‌خواهد پیراهنش را روی پدرش بیندازند تا بینا شود (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۳۱۸).

این تنها مورد استفاده منفی از رنگ سفید است (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱): «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یوسف: ۸۶).

۳-۳. بررسی رنگ «زرد»

۳-۳-۱. زرد؛ نماد مسرت و ایمان

در آیه ۶۹ سوره بقره که صحبت از تعیین گاو برای قوم بنی اسرائیل است، شاخص گاو یک رنگ معرفی شده و آن زرد است. کلمه "صفراء" به معنی زرد، همنشین کلمه "فالق" شده است. "فالق" که بیشتر در کنار رنگ‌های زرد و قرمز استفاده می‌شود، شدت رنگ را می‌رساند، و در ارتباط با زرد، رنگی شبیه طلایی را تداعی می‌کند که مسرت بخش و سمبل ایمان است (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸). در این آیه نیز به مسرت بخش بودن رنگ این گاو اشاره شده است. زرد روشنترین رنگ در تست

در اینجا رابطه جانشینی است که واژه برتر را تعیین می‌کند (بلوردی، ۱۳۸۷ب، ص ۸۰).

همچنین در این راستا و در ارتباط با این آیه، نکته ظریفی در مورد همنشینی دو واژه "بهیج" و "مصفر" وجود دارد: «بهیج» از ماده هیجان در لغت به دو معنی آمده است: نخست خشک شدن و زرد شدن گیاه و دیگر به معنی به حرکت درآمدن و جوش و خروش برداشتن؛ ممکن است این دو معنا به یک ریشه بازگردد. زیرا به هنگامی که گیاه خشک می‌شود آماده جدایی و پراکندگی و هیجان می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۴۲۳؛ صداقت، ۱۳۸۳، ص ۳۴۲).

در اینجا همنشینی دو واژه "بهیج" و "مصفرا" بر ناپایداری و فروریزی تاکید دارند. به علاوه، بین محرک بودن رنگ زرد از لحاظ روانشناسی و هیجان ناشی از واژه "بهیج" ارتباط عجیبی وجود دارد.

در آیه ۴۶ سوره یوسف نیز که به سبزی اشاره دارد، از کلمه "سنبلات" استفاده شده که مونث و در صیغه تانیث آمده و با این صورت نحوی بر خرمی و سرسبزی دلالت دارد و عالمانه در کنار رنگ سبز استفاده شده است.

۴. مفاهیم اشاره کننده به رنگ در قرآن کریم

در کنار واژه‌هایی که اشاره مستقیم به رنگ‌ها در قرآن کریم داشتند، واژه‌هایی نیز در این کتاب مقدس وجود دارند که بطور غیر مستقیم به رنگ‌ها و یا ویژگی‌های آنها دلالت می‌کنند. در زیر با ذکر نشانی آیات مورد نظر به بررسی بعضی از این نوع واژگان می‌پردازیم.

آیه ۲۰ سوره حدید نیز با استفاده از تمثیلی عدم ثبات زندگی دنیا را با زرد بیان می‌کند (بلوردی، ۱۳۸۷ب، صص ۹۶-۹۷).

۳-۴. بررسی رنگ «سبز»

۳-۴-۱. سبز؛ نماد حیات و کمال

در تفسیر آیه ۶۴ سوره الرحمن، کلمه "ادهیمام" از مصدر باب افعیلال و از ثلاثی مجرد "دهمه" و "دهمه" به معنی سبز پررنگ متمایل به سیاهی و معادل واژه "یشمی" در فارسی دانسته می‌شود: «مُدْهَامَتَانِ» آن قدر (این دو بهشت) سبزند که سبزی و غرور و ابتهاج درختانش به نهایت رسیده و برگها متمایل به سیاهی شده است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۱۸۶).

همچنین رنگ سبز در فرهنگ قرآن رنگی بهشتی است و چند ارجاع درون متنی پایه اثبات این ادعا است. با اشاره به آیه ۳۱ سوره کهف که لباس بهشتیان و آیه ۷۶ سوره رحمن که فرش آنها را سبز توصیف می‌کند، رنگ سبز، نماد "حیات، جاودانگی، ایمان و کمال" است و این ویژگیها در بهشت به اوج می‌رسد (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۷۶).

۳-۴-۲. سبز؛ نماد حرکت و هیجان

همانطور که قبلا نیز بیان شده رابطه جانشینی و ارزش انتخاب هر واژه در تعبیر کلمات قرآنی موثر است. در خصوص آیه ۲۱ سوره زمر و در باب کاربرد کلمه "مصفر" قابل ذکر است که در این آیه که فضای زندگی به مرگ انتقال میابد، این کلمه مصفر و نه اصفر است که به این فضا اشاره دارد.

۴-۱. سیاهی روی گنهکاران

در آیه زیر از کلمه "قتر" استفاده شده که به معنی دودی است که از سوزاندن چوب حاصل می‌شود و کنایه از سیاهی است: «وَلَا يَرَهُتُّ وَجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَكَأَنَّ ذُلَّةً» (یونس: ۲۶)

در این آیه چهره نیکوکاران در روز حساب توصیف شده که سیاه نمی‌گردد؛ برعکس در آیه بعد روی گنهکاران به "لیل"، به معنی شب، "تشبیه" شده است: «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرَهُمُ ذُلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وَجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا» (یونس: ۲۷)، (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۷۰).

باز در دو آیه زیر به ترتیب از کلمات "غبره" و "قتره" به معنی غبارآلود و دود در توصیف روی کافران استفاده شده که در تفسیر «قتره» سیاهی و ظلمت معنی شده است (صافی، ج ۵، ص ۲۸۸؛ اصغری نژاد، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱):

«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ» (عبس: ۴۱). در اینجا نیز از "صنعت کنایه" بهره گرفته شده است.

۴-۲. سفیدی برخی نعمتهای بهشتی

عطر شراب بهشتی با کافور توصیف شده که گیاهی است معطر که شاخصه آن رنگ سفید آن است (محمودی، ۱۳۸۷، صص ۶۸-۶۹): «إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (دهر: ۵).

همسران بهشتی نیز با رنگ سفید تعریف شده‌اند: «وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقعه: ۲۲)، «وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ» (صافات: ۴۸)، «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» (صافات: ۴۹).

لسان العرب واژه "حور" را "سفید بودن" معنی می‌کند (ابن منظور، ج ۴، ص ۲۶۵). در سوره صافات آیه ۴۹ از حوریان بهشتی به عنوان پاداشی که بهشتیان دریافت می‌کنند یاد کرده و آنها را به تخم مرغهایی تشبیه می‌کند (محمودی، ۱۳۸۷، صص ۶۸-۶۹). در تعبیر این آیه این‌گونه آمده است: کلمه "بیض" به معنای تخم مرغ و اسم جنس است که واحدش "بیضه" است و کلمه "مکنون" به معنای پنهان شده و ذخیره شده است.

بعضی از مفسرین گفته‌اند: "منظور از تشبیه حوریان به "بیض المکنون" این است که: «همانطور که تخم مرغ مادامی که در زیر پر مرغ و یا در لانه و یا در جای دیگر محفوظ می‌باشد، همچنان دست نخورده می‌ماند و غباری بر آن نمی‌نشیند حوریان نیز این‌طورند» (طبرسی، ج ۸، ص ۴۴۳).

بعضی دیگر گفته‌اند: "منظور تشبیه آنان به باطن تخم است، قبل از آنکه شکسته شود و دست خورده گردد (طباطبائی، ۱۳۸۳، ج ۱۷، ص ۲۰۷). در اینجا قرآن کریم از "زبان مجاز" برای بیان مقصود خود استفاده کرده است.

۴-۳. موی سپید

بهترین استعاره برای منتشر شدن سفیدی موی سر در سوره مریم آمده است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» (مریم: ۴). همچنین در تعبیر «اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» آمده است که "تشبیه شعله آتش به شعله ای است که تمام سر را فرا گرفته و از یک سو آتش درخشندگی خاصی دارد که از دور جلب توجه می‌کند و از سویی زمانی که آتش جایی را فرا می‌گیرد. آنچه از آن باقی می‌ماند خاکستر است"

قرآن، قابل تعویض نبوده و این عمل، معنا را دگرگون می‌کند.

۳- نشانه‌شناسی که یک چیز را بواسطه نمایش چیز دیگر بجای آن ارائه می‌دهد، براحتی زبان بلاغی قرآن که مملو از استعاره‌ها و تماثل بی نظیر است، مورد بررسی قرار می‌دهد.

این نتایج، اگرچه محدود به واژگان رنگ است، اشاره مهمی برای اهتمام به نگارش تفاسیر نشانه‌شناختی است که از این مسیر مترجمان نیز به درستی و با امانتداری، پیام الهی را به جهانیان ابلاغ دارند.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آیت الهی، حبیب الله، (۱۳۸۱)، مبنای رنگ و کاربرد آن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- ۳- احمدی، بابک، (۱۳۷۵)، از نشانه‌های تصویری تا متن: به سوی نشانه‌های ارتباط دیداری، تهران: نشر مرکز.
- ۴- اصغری نژاد، محمد، (۱۳۷۹)، «نگاهی به رنگ‌ها در قرآن»، فصلنامه بینات، شماره ۲۷.
- ۵- بلوردی، طیبه، (۱۳۸۷ الف)، «رنگ‌ها و پیامها در قرآن»، فصلنامه مشکوه، شماره ۹۸.
- ۶- بلوردی، طیبه، (۱۳۸۷ ب)، «روانشناسی رنگ و آثار تربیتی آن از منظر قرآن کریم»، فصلنامه کوثر، شماره ۲۷.
- ۷- حنفی، حسین، (۱۳۸۴)، «گونه‌گونی رنگ در قرآن کریم»، فصلنامه گلستان قرآن، شماره ۲۰۴.

(مکارم شیرازی، ج ۱۳، ص ۸). در حقیقت، در این آیه "اشاره کنایی" به رنگ شده است (اصغری نژاد، ۱۳۷۹، ص ۸۴).

نتیجه‌گیری

متون، اگر بواسطه نویسنده‌ای واحد بوجود آمده باشند، دارای نظام معنایی و استخوان بندی واحدی خواهند بود. این بدان معناست که بین مفاهیم مختلف آن متن، ارتباط معناداری وجود دارد و فهم یک قسمت منوط به فهم سایر بخشها است. این روابط درون متنی در متون الهی و بخصوص قرآن در عالیتین وجه آن وجود دارد، چراکه معنا در جایی آشکار و در جای دیگر اخفا شده است و بهره‌گیرروایات تفسیری اهل بیتاز قرائن کلام برای فهم معنای مخفی، موبد این مطلب است.

این موضوع، نشان دهنده نیاز مفسرین و مترجمین به روشی روشمند برای فهم کلام الله است. در این راستا، از بین روشهای موجود، رویکرد نشانه‌شناختی، بر نظام‌های معنایی تاکید ویژه‌ای داشته و برای فهم متن، روش ارائه می‌دهد. در این رویکرد:

- ۱- برداشتی که خواننده از بخشی از متن دارد وابسته به فهم او از سایر قسمت‌های درون متنی است.
- ۲- همچنین، در نشانه‌شناسی، تمام کلمات، نشانه‌اند و دارای ارزش روابط همنشینی و جانشینی. کلمات در همنشینی با یکدیگر معنایی بوجود می‌آورند که جانشینی هر کلمه به آنها، باعث از بین رفتن و یا تغییر آن معنی می‌شود. کلمات قرآن با هیچ دسته دیگری از کلمات، حتی با کلمات دیگر

- ۸- جعفری، یعقوب، (۱۳۸۲)، «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن»، فصلنامه ترجمان وحی، شماره ۱۴.
- ۹- رستم نژاد، مهدی؛ نوید، مهدی، (۱۳۸۹)، «اعجاز رنگ‌ها در قرآن»، دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم، شماره ۷.
- ۱۰- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۸)، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، تهران: نشر علم.
- ۱۱- شریفی، علی؛ جوکار، مجید، (۱۳۸۹)، «رنگ سفید از منظر قرآن و روانشناسی»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۷.
- ۱۲- صداقت، محمد جواد، (۱۳۸۵)، «نگاهی به مقوله رنگ در قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی: ویژه ترجمه قرآن، شماره ۴۳-۴۲.
- ۱۳- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۴- علوی مقدم، محمد، (۱۳۸۶)، «اعجاز بیانی قرآن»، فصلنامه کیهان پژوهش، شماره ۲۸.
- ۱۵- عزیزی، غلامعلی، (۱۳۸۰)، «جایگاه تفسیر قرآن با قرآن در روایات اهل بیت علیه السلام»، فصلنامه معرفت، شماره ۴۸.
- ۱۶- فرزانه، ناصر، (۱۳۷۵)، رنگ و طبیعت: دانش رنگ‌ها، تهران: انتشارات تهران.
- ۱۷- قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۸۶)، «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»، قرآن و علم، شماره ۱.
- ۱۸- کریمی، پروانه، (۱۳۸۴)، «بررسی کاربرد رنگ در ادب فارسی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۹- لوشر، ماکس، (۱۳۷۶)، روانشناسی و رنگ‌ها. ترجمه روانی پور، تهران: موسسه انتشارات فرهنگستان یادواره.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۸۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی.
- ۲۱- محمودی، احمد، (۱۳۸۷)، «رنگ در قرآن کریم»، فصلنامه بینات، شماره ۱.
- 22- Almalech, M. (2008). *Visual semiotics-The Red Shoes-Part II: Semiotics of Color*. Retrieved, 12 June, 2011, from: <http://www.nbu.bg/>
- 23- Birren, F. (1963). *Color: A survey in Words and Pictures*. University Books INC: New York
- 24- Caivano, J. (1998). *Color and Semiotics: A Two-Way Street*. Color Reaearch and Application, Vol. 23, No. 6. Retrieved 4 /sitios/sicyt/color/1998CRA.pdf
- 25- Chandler, D. (2007). *Semiotics: The basics*. Routledge: London.
- 26- Danesi, M. (2004). *Messages, Signs, Meanings: A Basic Textbook in Semiotics and Communication Theory*. Canadian Scholars' Press: Canada
- 27- Luckiesh, M. (1915). *Color and Its Applications*. D. Van Nostrand Company: Newyork.
- 28- Martin, B., & Ringham, F. (2006). *Key Terms in Semiotics*. Continuum: London
- 29- Merrell, F. (2001). *Charles Sanders Peirce's Concept of the Sign*. In Cobly, P. (Ed.), *The Routledge Companion to Semiotics and Linguistics* (Pp. 28-39). Routledge: London.
- 30- Saussure, F. (1959). *Course in Gneral Linguistics* (Baskin.W, Tran). McGraw-Hill Book company: Newyork.

المنهج السيميائي حول "الألوان" في القرآن الكريم

فيروزه محمدى حسن آبادى*

المُلخَص

للسيميائية في القرآن أهمية خاصة من جهتين: الأولى هو أن الله سبحانه و تعالي جعل القرآن اعجازاً لنبية(ص) و تحدّي الناس كي يأتوا بسورة مثل سوره إن أمكنهم ذلك، والثانية هو أن في نصّ الكتاب الشريف كلمات لو حذفت أو أُسْتُبدلت بكلمات أخرى لأختلّ معني الآية بأجمعه.

ومن بين هذه الكلمات الرئيسيّة في القرآن هي التي تدلّ علي الألوان. بعض هذه الألوان من الألوان الأصلية التي عرفها علم الفيزياء والبعض الآخر من الألوان غير الأصلية التي بينها وبين الطبيعة تناسق وتناسب تامّ. والغرض من اختيار هذا الموضوع هو التحليل السيميائي وكشف معاني الكلمات التي لها علاقة بالألوان حتي يلفت انتباه المفسرين إلي هذا الموضوع لترسيم الجماليات المعنوية له. هذه الدراسة تستخدم اتجاهات سيميائية في تحليل الكلمات الخاصة بالألوان كاللغة المجازية والبينيّة (التناسق) الخلاف (و هو يشمل علاقات الجوار و الاستبدال) حتي تبحث المعاني عن المعاني الأصلية والفرعية (البرغماتيكية) التي تحصل عن الكلمات الخاصة للألوان، وتدرس عدم استبدال بعض الألوان بنظائرها والاستخدام العلمي والإبداعي لهذه الكلمات. والنتائج الحاصلة من هذه الدراسة تفتح آفاقاً جديدة أمام المفسرين ليؤلفوا تفاسيراً علمية- سيميائية كما تساعد المترجمين في اختيار الكلمات اللائقة في اللغة المترجمة إليها.

الكلمات الدليّة: القرآن الكريم، السيميائية، اللون، المعني الأصلي، المعني الفرعي

A Semiotic Approach to the Concept of Color in the last Holy Book

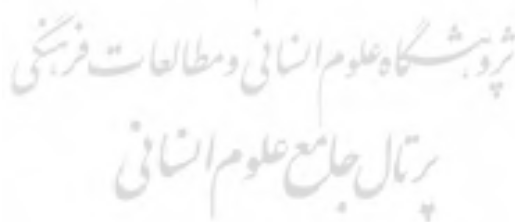
***Firoozeh Mohammadi Hassanabadi**

Abstracts

The significance of a semiotic analysis of Quranic words are due to the fact that firstly, it is a miracle of the last prophet, Mohammad, which has invited its readers to make an equivalent Sura, if they are able to. Secondly, to omit Quranic words and substituting others instead, makes the whole meaning ruined. Beside others, words referring to colors in Quran are of utmost importance. The mentioned colors in Quran are either basic- identified in Physics- or mixed ones- fully in accordance with nature.

The aim of this study is to semiotically analyze and to discover the meaning of words related to colors which may attract the attention of Quranic scholars to observe the nuances of meaning in this regard. In this paper, semiotic approaches such as intetextuality , syntagmatic relations and. paradigmatic.relations are made use of.

Keywords: the Holy Quran, Semiotics, Color, Figurative language .



* PHD student of Semiotics and culture Studies, University of Tartu, Estonia.
arsh_kebriya15@yahoo.com